

شرح حال رشید و طواط

* بقلم میرزا عباس خان اقبال آشتیانی *

امیر امام رشید الدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبد الجلیل عمری
کاتب معروف بخواجه رشید و طواط از فرزندان عبد الله عمر بن الخطاب و
نسب او بیازده واسطه بخلیفه ثانی می پیوندد (۱)

نولد او در بلخ اتفاق افتاده و این شهر در آن ایام از اعظم شهرهای
خراسان بوده و در ردیف نیشابور و هرات و مرو از امهات بلاد این سرزمین
محسوب میشده مخصوصاً مدارس و جوامع و کتابخانه های زیاد داشته که
فتملای متبحر و علمای استاد در آن حوزه های علم و ادب باشاعه نوردانش
و فضل و دایر نگاه داشتن بازار افاده و استفاده روزگار میگذاشتند

از جمله مدارس بلخ یکی نظامیه بود که رشید الدین قسمتی از تحصیلات
خود را در آنجا کرده و استاد او در آن مدرسه امام ابوسعده الهروی بوده
و رشید در رسائل خود از او بمبالغه سخن میراند و در موقعیکه برادر او
ذعیب الدین عمر بن محمد از خراسان بخوارزم آمده و برشید گفته بوده
است که امام ابوسعده در مجالس از رشید تعریف میکند و از تقریظ کلام
و ستایش او خود داری ندارد رشید مراسله با او مینویسد و سوابق مسراحم
ازنا یاد آورده خود را رهبن اسنادی او میشمارد (۲)

تاریخ تولد رشید را درست نمیتوان مشخص نمود ولی تشخیص تقریبی

آن ممکنست بشرح ذیل

(۱) محمد بن محمد بن عبد الجلیل بن عبد الملک بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن
محمد بن یحیی بن مردویه بن سالم بن عبد الله بن عمر بن الخطاب «معجم الادبا باقوت
ص ۹۱ ج ۷» (۳) رسائل عربی و طواط ص ۷۱-۳۰ ج ۲

عطا ملک جوینی مؤلف تاریخ جهانگشا در ضمن احوال سلطان تکش بن ایل ارسلان خوارزمشاه (۵۶۸ — ۵۸۹) مینویسد « تکش روز دو شنبه بیست و دوم ربیع الاخر سنه ثمان و ستین و خمسائه در خوارزم شد و بر تخت شاهی نشست و هر کس از شعرا و باغا در نهیت او خطب و اشعار آوردند و رشید الدین وطواط را که در خدمت آباء او سن از هشتاد گذشته بود بمحفظه پش او آوردند (۱) ... الح

از این بیان چنین مستفاد میشود که سن رشید در ۵۶۸ بیشتر از هشتاد بوده پس تاریخ تولد او لا اقل جلو تر از ۴۸۷ است و چون شماره سنین عمر او درین تاریخ لابد به نود نیز نمیرسیده زودتر از سال ۴۸۰ هم تولد نشده بنابراین تاریخ تولد او محصور میشود بین ۴۸۰ و ۴۸۷

بعضی از تذکره نویسان فارسی زبان مثل دولتشاه و امین احمد رازمی عمر رشید را ۹۷ سال نوشته و وفات او را بسال ۵۷۸ دانسته اند اگر این قول صحیح بود قاعده رشید بایستی در ۴۸۱ تولد یافته باشد ولی چون سال ۵۷۸ که دولتشاه و امین احمد رازی نقل کرده اند ظاهراً غلط است نمیتوان از آن فایده برداشت

نزدیکترین کسی بزمان رشید که شرح حال او را نوشته و در دست ماست شهاب الدین یاقوت حموی است که قریب پنجاه سال بعد از رشید مؤلفات عمده خود را برشته تألیف آورده است او در معجم الادبا تاریخ فوت و طواط را سال ۵۷۳ مینویسد و بعدها کسانی که از او نقل کرده اند مثل جلال الدین سیوطی در بغیة الرعاة و خونساری در روضات الجنات و حاجی حایفه در بعضی مواضع از کشف الظنون همین تاریخ اخیر را سال وفات رشید دانسته اند و ما نیز نظر بقدم عمر یاقوت و معتمد بودن او در نقل و روایت قول او را اختیار نمودیم

از قرائن چنین مستفاد میشود که رشید پس از ختم تحصیلات و مهارت یافتن در انشاء و زبان فارسی و عربی در خوارزم بخدمت ابوالمظفر علاء الدوله اتسز بن قطب الدین محمد خوارزمشاه پیوسته و تا آخر عمر را در دستگاہ خوارزمشاهیان بسر برده است .

تاریخ وصول او بخدمت اتسز لااقل همان سال است که این شخص بجای پدر خود قطب الدین محمد بخوارزمشاهی منصوب شده یعنی ۵۲۲ هـ چه رشید خود در تاریخ ۵۴۸ هـ (۱) پس از آنکه اتسز او را بهائتی از خدمت دور کرده بود در قنایندی که خطاب با او گفته مکرر بخدمات سی ساله خود در دربار اتسز اشاره میکند چنانکه گوید

سی سال شد که بنده بصف نهال در بودست مدح خوان و تو بر تخت مدح خواه
داند خدای عرش که هرگز نایستاد چون بنده مدح خوانی در هیچ بارگاه
اکنون دات زبنده سی ساله شد ملول در دل بطول مدت یا بسد ملال راه
لیکن مثل زنتد چو مجدوم شد ماول جوید گناه و بنده بیچاره بی گناه (۲)

ایضاً :

خدایگانا سی ساله مدح خوان توام ز مدحت تو شدم در همه جهان مذکور
گر آسیای، بلا بر سرم بگردانند ز بندگیت نگردم بغیبت و بحضور
خدایگانا گفتند حاسدان بفرض که شد الو فد دل من ز خدمت تو نوقور (۳)

سی سال قبل از ۵۴۸ هـ مقارنت با ۵۱۸ هـ و چون اتسز در تاریخ ۵۲۲ هـ از طرف سنجر بخوارزمشاهی منصوب شده پس در موقعیکه رشید این اشعار را گفته فقط ۲۶ سال از ابتدای خوارزمشاهی اتسز میگذشته یا باید بگوئیم که رشید قبل از انتصاب اتسز در خدمت او بوده و یا اینکه وطواط در اشعار فوق وقتی که بجای ۲۶ سال سی سال گفته خواسته است تخمینی بزاند نه آنکه

ناامام

درست شماره سنین خدمت خود را تعیین نماید

(۲) «جهاگتاج ۲ ص ۱۱»

(۱) این تاریخ استنباط است و تفصیل آن عنقریب بیاید

(۳) تذکره تقی الدین در شرح حال و طواط